

***The Role of the National Hero in Strengthening
National Identity
(Case Study of Martyr Qasem Soleimani)***

Mohammad Jamiri *

E-mail: jamiri.mohammad@gmail.com

Received: 2024/06/17

Revised: 2025/01/10

Accepted: 2025/06/30

Doi: 10.22034/RJNSQ.2025.463434.1620

Abstract

National identity is one of the issues that governments strive to realize and establish in society. Among the things that can be effective in strengthening national identity are national heroes. The ancient history of Iran has nurtured great and famous national heroes in its lap. One of the people who has been recognized as a national hero in Iranian society in the last decade is Martyr Qasem Soleimani. Why and how Soleimani's personality developed as a national hero is a controversial issue that requires comprehensive research to examine its dimensions and angles. Accordingly, the main question of the article is: what were the effective factors in the development of Martyr Soleimani's personality as a national hero and what is the relationship between these factors and the prominence of national identity? It seems that Martyr Soleimani's personality, influenced by scholastic and religious practices corresponding to the characteristic and functional approaches of Iranian/mythical heroes in Shahnameh, an epic composed by Ferdowsi, has played a prominent role in the convergence and strengthening of national identity. The results of the research show that Soleimani's insight and action behaviors, such as sincerity, patriotism, humility and people-orientedness, fighting against Iran's enemies, masculinity and freedom, along with physical characteristics and non-verbal behaviors, have been effective in introducing him as an experienced model of a national hero. The research method is descriptive-analytical and the data collection is based on library resources.

Keywords: Iran, Myth, Martyr Qasem Soleimani, National Hero, National Identity.

* Ph.D. in Political Science and Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Bushehr University of Medical Sciences. Bushehr, Iran (Corresponding Author).

نقش قهرمان ملی در استحکام هویت ملی (مطالعه موردی شهید قاسم سلیمانی)

نوع مقاله: پژوهشی

محمد جمیری*

E-mail: jamiri.mohammad@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۳/۲۸ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۱۰/۲۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۴/۹

چکیده

هویت ملی از موضوعاتی است که دولت‌ها برای تحقق و تثبیت آن در جامعه اهتمام می‌ورزند. از جمله مواردی که می‌تواند در استحکام بخشی به هویت ملی مؤثر واقع شود، قهرمانان ملی هستند. تاریخ کهنسال ایران، قهرمانان ملی بزرگ و نامداری را در دامان خود پرورش داده است. یکی از افرادی که در دهه اخیر به‌عنوان قهرمان ملی در جامعه ایران شناخته شده، شهید قاسم سلیمانی است. چرایی و چگونگی تکوین شخصیت سلیمانی به‌عنوان قهرمان ملی موضوع قابل‌درنگی است که بررسی ابعاد و زوایای آن پژوهش جامعی می‌طلبد. بر این اساس، سؤال اصلی مقاله این‌گونه مطرح می‌شود که عوامل مؤثر در تکوین شخصیت شهید سلیمانی، به‌عنوان قهرمان ملی، چه بوده و این عوامل چه نسبتی با برجسته‌سازی هویت ملی دارند؟ به‌نظر می‌رسد شخصیت شهید سلیمانی با اثرپذیری از رویه‌های مکتبی و مذهبی متناظر با رویکردهای منشی و کنشی قهرمانان ملی ایران که فردوسی در شاهنامه بدان‌ها پرداخته، نقش برجسته‌ای در همگرایی و تقویت هویت ملی به دنبال داشته است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که رفتارهای بینشی و کنشی شهید قاسم سلیمانی از قبیل اخلاص، وطن‌دوستی، خاکساری و مردم‌داری، مبارزه با دشمنان ایران، مردانگی و آزادگی، در کنار ویژگی‌های فیزیکی و رفتارهای غیرکلامی، در معرفی وی به‌عنوان الگوی تجربه‌شده از قهرمان ملی مؤثر بوده است. روش پژوهش توصیفی تحلیلی و گردآوری اطلاعات با اتکا به منابع کتابخانه‌ای است.

کلیدواژه‌ها: ایران، اسطوره، شهید قاسم سلیمانی، قهرمان ملی، هویت ملی.

مقدمه و بیان مسئله

کهنسالی ایران آن را به سرزمینی مبدل ساخته که قهرمانان بسیاری را در دامان خود پرورش داده است. چه آن‌ها که همچون آرش و کاوه، وجهی افسانه‌ای داشته‌اند، چه آن‌ها که مانند پوریای ولی یا غلامرضا تختی، بخشی از واقعیت جامعه بوده‌اند و چه آن‌ها که مانند رئیس‌علی دلواری، میرزا کوچک خان، ستارخان و باقرخان و هزاران شهید دوران دفاع مقدس، برای میهن دست از جان شستند. اهمیت وجود قهرمان ملی را می‌توان در مؤلفه‌هایی همچون هویت‌سازی، اتحادبخشی، الگوسازی اجتماعی و در نتیجه ارتقای همبستگی ملی ارزیابی کرد. علاوه‌براین، قهرمانان می‌توانند یکی از مؤلفه‌های قدرت نرم نیز به حساب بیایند.

تأکید بر عناصر ملی، به‌ویژه در شرایطی که به‌واسطه رویکردهای فرهنگی نسبی‌گرا و گستردگی شبکه‌های مجازی، ساختارهای فرهنگ ملی و ارزشی جامعه به‌ویژه در میان جوانان دچار فرسایش است از اهمیت بیشتری برخوردار است. یکی از شخصیت‌هایی که عنوان «قهرمان ملی» درباره‌اش موردپذیرش جامعه قرار گرفت، شهید حاج قاسم سلیمانی است؛ فرمانده‌ای که آوازه شهرتش حتی مرزهای ملی و اسلامی را درنوردید. براساس یک نظرسنجی، بیش از ۹۰ درصد مردم ایران از شهادت سلیمانی اظهار تأثیر عمیق کرده‌اند (<https://www.ispa.ir/Default/Details/fa/2168>). روزنامه نیویورک‌تایمز، سلیمانی را فردی دانست که بسیاری او را در ایران به‌عنوان یک قهرمان، به‌ویژه در حوزه امنیت می‌شناسند (آرانگو و همکاران، ۲۰۲۰). مؤسسه ایران پُل وابسته به دانشگاه مریلند، ضمن یک نظرسنجی در ایران، او را محبوب‌ترین چهره سیاسی کشور معرفی کرد (<https://fa.alalam.ir/news/3014676>). روزنامه گاردین نیز او را تأثیرگذارترین فرمانده نظامی خاورمیانه قلمداد کرد (صافی، ۲۰۲۰). شبکه الجزیره قطر نیز او را قهرمان ملی ایرانیان می‌داند که نقش مهمی در گسترش نفوذ خارجی ایران ایفا کرده است (<https://www.aljazeera.net/encyclopedia/2015/4/22>).

به‌نظر می‌رسد این جایگاه ملی، به خاطر وجود عناصری در جوهره شخصیت سلیمانی بوده که به تقویت هویت ملی کمک کرده و موجب رشد شخصیت کمال‌خواه ملت ایران گردیده است؛ به‌نحوی که شهید سلیمانی تبدیل به نمودی از غرور ملی ایرانی‌ها شد. از قضا، بسیاری از مؤلفه‌های منشی و کنشی شهید سلیمانی با رویکردهای رفتاری و اخلاقی قهرمانان شاهنامه و دیگر قهرمانان ملی این مرزوبوم مطابقت دارد. بررسی زندگی شهید سلیمانی از این جهت که اقدامات مهمی در حوزه امنیت از خود به

یادگار گذاشت، دارای اهمیت است. او برای نسل حاضر تجربه شده و ابعاد زندگی او در دسترس است. در صورتی که بدانیم جامعه ایران از سال ۱۳۸۸ و تحولات سال‌های اخیر، ماجرای آبان ۱۳۹۸، دچار شکاف شده بود، شهادت او باعث شد موجی از همدلی و همگرایی معناداری در ایران رخ دهد و بسیاری از مردم او را قهرمان ملی و الگوی خود بدانند. به‌رحال، این ادعا که قهرمانان ملی نقشی مهم و اثرگذار در همگرایی ملی دارند بر کسی پوشیده نیست (والنزولا، ۲۰۱۴: ۷۴۵).

پرسش پژوهش

عوامل مؤثر در تکوین شخصیت شهید سلیمانی به‌عنوان قهرمان ملی چه بوده و این عوامل چه نسبتی با برجسته‌سازی هویت ملی دارند؟

ادبیات پژوهش

آثار پژوهشی در این حوزه به دو دسته تقسیم می‌شوند؛ دسته‌ای از آثار ایرانی و غیرایرانی که به‌صورت کلی، قهرمانان ملی را نقطه تمرکز اثر خود قرار داده‌اند و دسته‌ای که به‌صورت مستقیم، به شهید سلیمانی پرداخته‌اند. از دسته اول می‌توان به این موارد اشاره داشت: کتاب *قهرمانان ملی ایران از کاوه آهنگر تا محمد مصدق* نوشته عبدالرفیع حقیقت. انگیزه اصلی نویسنده این بوده که یاد افرادی را که در تاریخ ایران پس از گذشت قرن‌ها، موجب شادی روح، انبساط خاطر و غرور ملی مردم ایران می‌شود زنده بدارد (حقیقت، ۱۳۹۲). *ساخت قهرمانان ملی: تولید نمونه مردانگی در چین معاصر* (ژین رو لین، ۲۰۲۴) اثری از نویسنده‌ای چینی است که به دنبال برجسته‌سازی قهرمانان ملی چین برای عصر جدید این کشور است. کتاب *ساخت قهرمانان ملی: فیلیپین پسا/ستعماری و زندگی‌نامه کوبایی خوزه ریزال و خوزه مارتی* (والنزولا، ۲۰۱۴) نمونه دیگری از تلاش نویسنده‌ای فیلیپینی است که باور دارد فداییان راه استقلال دو کشور کوبا و فیلیپین گزینه‌های مناسبی برای تقویت ملی‌گرایی در این دو کشور به‌شمار می‌روند. کتاب *قهرمانان ملی و هویت ملی* (اریکسوناز، ۲۰۱۴) هم به نقش قهرمانان در ملیت‌سازی سه کشور اروپایی نروژ، اسکاتلند و لیتوانی می‌پردازد. مقاله‌ای دیگر در ارتباط با حضور قهرمانان ملی اندونزی در تقویت فرهنگ و اتحاد ملی در این کشور به رشته تحریر درآمده است. این مقاله با عنوان «نقشه‌برداری از قهرمانان ملی اندونزی به‌منظور تقویت هویت ملی در آموزش تاریخ» (پارامونو و همکاران، ۲۰۲۱) منتشر شده



است. در مجموع، بررسی این آثار نشان می‌دهد اولاً، در شرق و غرب عالم نسبت به وجود قهرمانان ملی حساسیت و احترام ویژه‌ای وجود دارد؛ ثانیاً، همگی پذیرفته‌اند که قهرمانان به نوعی در ایجاد اتحاد و انسجام و تقویت هویت ملی نقش آفرین هستند. دسته دوم آثار، به صورت مشخص به شهید سلیمانی پرداخته‌اند. در این باره نیز می‌توان آثار را به دو بخش تقسیم کرد. بخش اول کتاب‌هایی که عمدتاً حول و حوش خاطراتی از شهید سلیمانی گردآوری شده‌اند. کتاب‌هایی مانند *من قاسم سلیمانی هستم* (کاو، ۱۳۹۸)، *ژنرال* (مردانیان، ۱۴۰۱)، *رفیق خوشبخت ما* (کریمی، ۱۳۹۹) و غیره. بخش دوم رویکرد علمی به خود گرفته و عمدتاً در قالب مقالات منتشر شده‌اند. این مقالات به نقش شهید سلیمانی در حوزه‌های مدیریتی مانند «مدیریت بحران در مکتب شهید سلیمانی» (سلاجقه و سیفالهی، ۱۴۰۱)، حوزه‌های ایدئولوژیک مانند مقاله «ارزیابی ولایت‌مداری در مکتب شهید سلیمانی» (سلاجقه و زند، ۱۴۰۱) و در نهایت، آثاری که بیشتر با تأکید بر نقش وی در حوزه دیپلماسی و امنیت ملی به رشته تحریر درآمده‌اند مانند مقاله «دستاوردهای دفاع ترکیبی شهید سلیمانی» (کلانتری و نجفی سیار، ۱۴۰۲) و «نقش شهید سلیمانی در ناکامی‌های امریکا در منطقه» (کریمخانی، ۱۴۰۲). همان‌طور که مشاهده شد، این آثار به عوامل مؤثر در تکوین شخصیتی شهید سلیمانی به عنوان قهرمان ملی و نسبت آن با هویت ملی چندان توجهی ننموده‌اند و راه را برای پژوهشی مستقل هموار نموده‌اند؛ از این رو، پژوهش حاضر بررسی تکوین شخصیت شهید سلیمانی به مثابه یک قهرمان ملی و نسبت آن با هویت ملی را در کانون توجه خود قرار داده است. بر این اساس، ضمن توضیح مبانی نظری هویت ملی، فرضیه پژوهش این گونه مطرح می‌شود که کنش و بینش شهید سلیمانی به سبکی بوده که همپوشی بسیار نزدیکی با قهرمانان ملی که حکیم ابوالقاسم فردوسی در *شاهنامه* مطرح کرده، داشته است.

بحث نظری

هویت چیست؟ یک سؤال مبنایی و بسیار مهم که در پاسخ آن «من» یا «ما» تعریف می‌شود؛ از این رو، هویت در مقابل دیگری تعریف می‌شود و «جهان ما» و «جهان آن‌ها» را می‌سازد. از یک سو، هویت ترکیب‌کننده است؛ به این معنا که نقاط اشتراک اعضای یک گروه را پررنگ می‌سازد و از سوی دیگر، تمایزدهنده است و فرد/ افرادی را از دیگر/ دیگران جدا می‌کند. در حقیقت، هویت به مثابه سازوکاری است که خود را به صورت شکلی از آگاهی نشان می‌دهد و در نتیجه، نوعی از انسجام و همبستگی را در جامعه محقق می‌سازد. این سازوکار شامل ارزش‌ها، نگرش‌ها و ایدئولوژی‌ها می‌شود (نظری، ۱۳۸۶: ۱۲۳). در سطحی بالاتر،

هویت معرف کیستی هر فرد در بستر زمانی - مکانی او، یعنی تاریخ، فرهنگ و جامعه است و جایگاه تاریخی، فرهنگی و اجتماعی اعضای جامعه را معین می‌سازد. به دنبال آن، فرد فرایند هویت‌یابی خود و تعلق داشتن به یک تاریخ، فرهنگ و اجتماع خاص را شناسایی می‌کند (نجاتی، ۱۳۸۲: ۱۵۴). در نتیجه رشد جوامع و تبدیل آن‌ها از واحد قبیله به اجتماع و ساخت دولت - ملت‌ها، هویت‌ها نیز از حالت فردی و قبیله‌ای به هویت ملی ارتقا یافتند. هویت ملی یکی از مهم‌ترین سطوح هویت جمعی است که نقش تعیین‌کننده‌ای در همبستگی و انسجام دولت‌های کنونی و ثبات واحدهای سیاسی بر عهده دارد (امیدپور و دلاوری، ۱۴۰۱: ۱۱۸).

از نگاهی دیگر، می‌توان هویت ملی را به معنای بازتولید دائمی الگوها، ارزش‌ها، نمادها، خاطره‌ها، اسطوره‌ها و سنت‌هایی دانست که میراث متمایز ملت‌ها را تشکیل می‌دهند (اسمیت، ۱۳۸۳: ۳۰). از این‌روست که حفاظت از چهارچوب‌های هویت ملی یکی از دغدغه‌های دولتمردان به‌شمار می‌رود. بدین ترتیب، نه تنها پیشبرد امور گوناگون به همراهی و احساس تعلق آحاد جامعه به ارزش‌ها، هنجارها و اهداف یگانه آن‌ها، به‌صورت خودخواسته و برخاسته از اراده جمعی نیاز دارد، بلکه حفظ کیان و جوهره حکومت نیز بدان وابسته است. به موازات استمرار ارزش‌ها و تحقق اهداف بلندمدت، بی‌تردید نیازمند تداوم انتقال اصول فرهنگی از گذشتگان به آیندگان نیز هستیم (مقدم‌فر و امیر سرداری، ۱۴۰۳: ۱۶۲). از طرفی، تحقق هویت ملی به‌عنوان پیش‌نیاز همبستگی ملی، در جوامعی که از تنوع قومی و مذهبی برخوردار هستند، ظرافت‌ها و پیچیدگی‌های بیشتری دارد. اینکه یک جامعه متکثر از اقوام، مذاهب و افکار سیاسی بتواند با ارائه یک الگو از قهرمان ملی، نوعی همگرایی را در میان این تکثر ایجاد کند، نکته‌ای مثبت و قابل تأمل به حساب می‌آید. این همبستگی ضرورتاً باید حول مفاهیم، ارزش‌ها و یا اشخاصی صورت پذیرد که بیشترین میزان مقبولیت را در میان اقوام و مذاهب گوناگون آن جامعه دارند. در این‌گونه جوامع باید بر نقاط اشتراک تأکید کرد. زبان، سرزمین، میراث فرهنگی، عواطف و خاطرات مشترک، نظام سیاسی و دولت، باورها، سمبل‌ها و قهرمانان ملی مشترک، تاریخ و پیشینه مشترک، اقتصاد واحد، هنر و ادبیات و حتی دین مشترک، از مجموع این نقاط اشتراک هستند (کریمی و فاضلی، ۱۴۰۰: ۱۳۱).

همان‌گونه که اشاره شد، از مواردی که در تعیین هویت ملی نقش‌آفرین هستند، وجود شخصیت‌ها و افرادی است که اثری مثبت از خود در جامعه باقی گذاشته‌اند. این افراد که عموماً با عنوان قهرمان از آنان یاد می‌شود، به‌مرور و بر اثر گذر تاریخ، تبدیل به خاطره

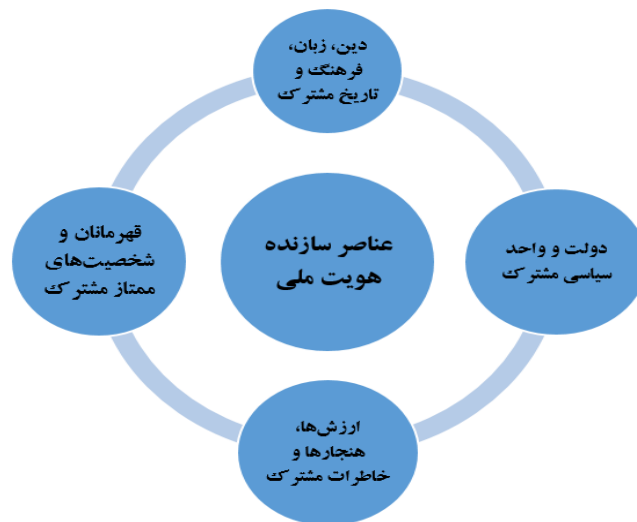


جمعی و بخشی از فرهنگ ملی می‌شوند. آنان با اتخاذ برخی رویکردهای انسانی و الهی از قبیل فداکاری، نوع‌دوستی و خاکساری، تبدیل به نوعی الگوی رفتاری شده، به نحوی که جامعه از آنان به‌عنوان نمونه‌های انسانی والا، اسباب افتخار و شکوه، عامل غرور و عزت و درنهایت، مسبب همگرایی و اتحاد ملی یاد می‌کند. به‌عنوان مثال در ایران، مجموعه کنشگری و نظام فکری یک سمبل قهرمانی باید به گونه‌ای باشد که بلوچ‌های شرق و عرب‌های غرب، آذری‌ها، کردها، اهل سنت و شیعه هر کدام از او خاطره‌ای نیک به یاد داشته باشند. خوشبختانه پهنه تاریخ گسترده ایران کهن، از این قهرمانان به خود دیده است. در این مقطع از بحث لازم است به لحاظ نظری، قدری بیشتر به مقوله قهرمان پرداخته شود. سپس ویژگی‌های قهرمان ملی از نگاه حکیم ابوالقاسم فردوسی به‌شمارش درآید، در انتها نیز کنش و منش شهید سلیمانی با آنچه فردوسی برای قهرمانان شاهنامه بیان کرده است تطبیق داده شود.

برخی جامعه‌شناسان و فیلسوفان، قهرمانان را مظهر، عصاره، تجسم و یا نماینده جنبش‌ها در ادوار تاریخ می‌دانند. کارلایل ستایش قهرمان اصیل را امری ستودنی می‌داند؛ زیرا مشیت الهی قهرمانان را مأمور نموده تا به تعلیم، هدایت و نجات انسان قیام کنند (ادواردز، ۱۳۷۵: ۱۶۹-۱۶۵). هگل اجازه نمی‌دهد مردم عادی، قهرمانان را با معیارهای اخلاقی خود بسنجند؛ چراکه تمام زندگی آن‌ها، کار و مشقت است. او می‌گوید قهرمان ممکن است بمیرد یا به‌نظر برسد که شکست خورده است؛ اما تاریخ همواره او را حمایت خواهد کرد (هوک، ۱۳۵۷: ۳). شهید مطهری از جمله افرادی است که پیرامون شخصیت‌های بزرگ تاریخ سخن گفته است. هرچند استاد شهید در ذکر از نوابغ تاریخی نامی از قهرمان نیاورده؛ اما بیان وی در این رابطه با آنچه درباره قهرمان مطرح می‌شود بسیار نزدیک است. شهید مطهری در تعریف از نوابغ می‌گوید: «افرادی که از هوش و اراده خارق‌العاده‌ای برخوردارند و بر اثر این هوش و اراده، بهتر از دیگران طبیعت تاریخ را شناخته و توانسته‌اند نیروهای تاریخی را به خدمت بگیرند، یعنی در جهت آن آگاهی صحیحی که داشته‌اند توانسته‌اند نیروهای تاریخ را استخدام کنند و به حرکت درآورند» (مطهری، ۱۳۸۸: ۵۲). از نگاه روان‌شناسان نیز رویکرد رفتاری قهرمانان از سنخ رویکردهایی با جهت‌گیری سازنده، آرمانی و نماینده اهداف غایی رشد انسان است (عبدالملکی، ۱۳۹۹: ۷۵). در مجموع می‌توان گفت قهرمان «کسی است که بتواند در تعیین یک مسئله یا حادثه، تأثیری اساسی بگذارد؛ به نحوی که اگر فرد قهرمان، آن‌چنان‌که باید عمل نمی‌کرد، نتیجه آن حادثه به شکل دیگری رقم می‌خورد» (هوک، ۱۳۵۷: ۱۴۰)؛ اما اینکه چرا انسان‌ها نسبت به قهرمانان تاریخ علاقه‌مند هستند نیز در موارد زیر قابل بیان هستند.

نخست، نظام تعلیم و تربیت، تاریخ هر ملتی را به شکل کارهای برجسته‌ای که شخصیت‌های بزرگشان انجام داده‌اند بازگو می‌کند (هوک، ۱۳۵۷: ۷). این رویکرد آموزشی رویکردی هویت‌محور است که تلاش می‌کند وحدت ملی را مستحکم سازد. به‌طور مثال، در کشوری مانند بلژیک که از سه قومیت آلمانی، هلندی و فرانسوی تشکیل شده است، به دانش‌آموزان مقاطع ابتدایی به‌صورت رسمی و در فعالیت‌های تفریحی آموزش داده می‌شود که اسامی خیابان‌ها و میدان‌های شهر، مسمی به اسم قهرمانان ملی و کسانی است که برای بلژیک و اروپا افتخارآفرینی کرده‌اند. همچنین، به دانش‌آموزان نحوه زندگی قهرمانان ملی نیز آموزش داده می‌شود و به الگوبرگشتی از آن‌ها تشویق می‌شوند (کریمی و فاضلی، ۱۴۰۰: ۱۴۷)؛ همچنین، دغدغه نخبگان اندونزیایی این است که چگونه به شکل بهتری بتوانند قهرمانان خود را به نسل‌های مختلف بشناسانند (پارامونو و همکاران، ۲۰۲۱: ۲۷).

دوم، ایمان به این گزاره که «هرکس ما را نجات بخشد، یک قهرمان است» (هوک، ۱۳۵۷: ۱۳). امید مردم به حل یک بحران، همواره به ظهور یک شخص نیرومند و هوشیار که می‌تواند بر مخاطرات و دشواری‌ها غلبه کند منجر می‌شود. به هر روی، خلق حماسه‌ها توسط قهرمانان در بافتی از جنگاوری و رشادت و از دل بحران‌ها و دشواری‌ها حاصل می‌آید (شمیسا، ۱۳۸۶: ۷۴). نمودار زیر بیانگر مهم‌ترین عناصر سازنده هویت ملی است.



نمودار شماره ۱. مهم‌ترین عناصر سازنده هویت ملی (منبع: نگارنده)



تاریخچه قهرمانی در ایران

یکی از ویژگی‌های تاریخ و ادبیات ایران تمرکز بر پدیده قهرمان بوده است. هم‌زمان با شنیدن واژه قهرمان، عناوین مترادف دیگری نیز به ذهن خطور می‌کند. پهلوان، اسطوره و حماسه از این دسته‌اند که البته تفاوت‌هایی نیز با یکدیگر دارند. مثلاً اسطوره عمدتاً به روایتی اختصاص می‌یابد که متعلق به تاریخ قدسی بوده و اتفاق آن، در زمان ازلی رخ داده است (الیاده، ۱۹۶۳: ۵). پهلوان قهرمانی است که از خصلت‌های ناب انسانی برخوردار است. عموماً پهلوان به تباهی و لغزش میلی ندارد و در عوض، به رادمردی و عیاری شهره است؛ از این روست که در میان قهرمانان، تنها عده‌ای صفت پهلوانی دارند. پهلوان ایرانی مرگ را برای خود آری اما برای ایران، نمی‌پسندد. بدین‌سان، هر پهلوانی که می‌میرد، مسلک و مرام خود را به پهلوان پسین می‌سپارد (آموزگار، ۱۴۰۲: ۴۸). برخلاف اسطوره، قهرمان و پهلوان که در یک فرد یا گروهی از افراد متعین می‌شود، حماسه به نحوه رفتار افراد برمی‌گردد. حماسه از تلاش‌های یک ملت برای کسب عظمت سخن می‌گوید؛ از این‌رو، حماسه هر ملتی بیانگر آرمان‌های آن ملت بوده و مجاهدت‌های آن ملت برای کسب استقلال و سربلندی را برای نسل‌های بعدی روایت می‌کند (شمیسا، ۱۳۸۶: ۶۰). به‌عبارتی، حماسه‌ها توسط قهرمانان ساخته می‌شوند. برخی بر این باورند که هیچ ملتی به‌وجود نیامده و به کسب و حفظ استقلال و تحکیم مبانی ملیت مفتخر نگشته، مگر آنکه دوره‌هایی از سختی و خطر را از سر گذرانیده و اعمال پهلوانی را تجربه کرده باشد و بزرگان و پهلوانانی از او پدیدار گردیده‌اند (صفا، ۱۳۸۹: ۱۳).

از میان منابع فارسی، آنچه بیش از همه به توصیف و تشریح کنش و بینش قهرمان و پهلوان پرداخته است، بی‌تردید شاهنامه است. اساساً شاهنامه از منظر فردوسی بازتاب رفتار و کردار قهرمانان ملی است. مقصود فردوسی از بیان آن حماسه‌ها، دمیدن روح جوانمردی، مردانگی و میهن‌پرستی در کالبد ایرانیان بوده است (ادیب برومند، ۱۳۵۷: ۳۷۳). قهرمانان شاهنامه، کهن‌الگوهایی هستند که سرگذشت آن‌ها در نمادین‌سازی کنش و منش انسان ایرانی، در درازی تاریخ از اهمیت بسزایی برخوردار است (ازغندی و مستکین، ۱۳۹۲: ۱۲). آن‌ها انگیزه افتخار، انسجام و تاریخ‌سازی را در روحیه جمعی مردم ایران انباشته ساخته‌اند. بخشی از خصلت‌های قهرمان ملی از نگاه فردوسی این‌چنین است: «به جوانمردی و صفات بایسته انسانی نامبردار بوده و نسبت به نظامات خوب کشور وفادار است. دین‌دار و متکی به قدرت یزدان است. میهن‌پرست و مردم‌دوست بوده و نسبت به مصالح عالی کشور از خودگذشتگی نشان می‌دهد. در گیر و دارهای سخت که رویدادهای

هراس انگیز برای کشور رخ می‌دهد، مردانه قدم به میدان می‌گذارد. تن به زیر بار زبونی نمی‌دهد. پاسدار داد و دشمن بیدادگر بوده و علیه ظالمان می‌ستیزد. خویش‌ن‌دار و بردبار بوده و از نیروی جسمی و توانایی معنوی خود سبکسرانه بهره نمی‌برد. در شجاعت و پردلی یکه‌تاز میدان بوده، به هیچ‌روی از مواجهه با خطر نمی‌هراسد و حق‌شناس و بانصاف است» (ادیب برومند، ۱۳۵۷: ۳۷۹)؛ درواقع، این صفات با روح و انگیزه حاکم بر جامعه ایران به نحوی تناسب داشته که بسیاری از مردم دوست دارند فرزندان خود را بر این شیوه تربیت کنند. براساس چنین صفات نیکو و خصایل انسانی است که قهرمان ملی می‌تواند به‌عنوان الگویی مطرح و موجب هویت ملی شود.

کنش و منش شهید سلیمانی در تناظر با قهرمان ملی ۱- مرگ آگاهی و استقبال از مرگ

مرگ یکی از حقیقت‌های عالم خلقت است. این ملاحظه که مرگ معادل نیستی، فنا و نابودی نبوده، بلکه معادل حیات حقیقی و رسیدن به کمال است از اهمیت والایی برخوردار است. از دیدگاه روان‌شناسان نیز نگاه انسان سازنده به مرگ نگاهی توأم با عشق به زندگی، رشد، آفرینندگی و سازندگی است (عبدالملکی، ۱۳۹۹: ۷۵). از نگاه فردوسی نیز قهرمان شاهنامه به دنبال آن است که معنا و حیثیتی را از خود به یادگار بگذارد نه آنکه به هر قیمتی زنده بماند. این قهرمان زندگی را دوست دارد بدون آنکه به مرگ بیندیشد؛ از عمر بهره می‌گیرد، بدون آنکه بی‌اعتباری جهان را از یاد ببرد و همان‌گونه که بزرگ است، مرگ را خوار می‌شمارد (اسلامی ندوشن، ۱۳۴۸: ۳ و ۴).

جهان یادگار است و ما رفتنی
به گیتی نماند به‌جز مردمی
به نام نیکو گر بمیرم رواست
مرا نام باید که تن، مرگ راست

(فردوسی، ۱۳۸۲: ۲۶/۵۸)

به‌علاوه، قهرمان شاهنامه مرگ را نوعی عدالت می‌داند که نباید از آن غمگین بود:

اگر مرگ دادست، بیداد، چیست؟
ز داد، این همه بانگ و فریاد چیست

(فردوسی، ۱۳۸۲: ج ۲/۱۶۹)

شهید حاج قاسم سلیمانی نیز نسبت به مرگ رویکردی آگاهانه داشت. به‌عبارت بهتر، او با جست‌وجوی شهادت که از منظر دینی بهترین و ارزشمندترین نوع مرگ‌هاست، به استقبال از مرگ می‌رفت (مردانیان، ۱۴۰۱: ۱۳). حاج قاسم سلیمانی شهادت‌طلبی را از مکتب اسلام و مذهب تشیع فراگرفته بود. از نظر او، اوج سعادت انسان در شهادت که مرگی آگاهانه است خلاصه می‌شد. عشق و علاقه او به اهل بیت (ع)



به‌ویژه به امام حسین (ع)، او را نسبت به مرگ مشتاق و علاقه‌مند کرده بود. در وصیت‌نامه، توصیه‌ها و عملکرد او می‌توان ردپای شهادت‌طلبی را به‌وضوح مشاهده کرد. او خطاب به خدا این‌گونه می‌گفت: «عزیز من! جسم من در حال علیل شدن است. چگونه ممکن است کسی که چهل سال بر درت ایستاده است را نپذیری؟ خالق من، محبوب من ... مرا در فراق خود بسوزان و بمیران» (سلیمانی، ۱۳۹۸: ۱۳). در آخرین دست‌نوشته‌ای که ساعتی پیش از شهادت از خود به‌جای گذاشته است، به خداوند خطاب می‌کند: «خداوند مرا پاکیزه بپذیر» (علامیان، ۱۴۰۰: ۳). خلاصه اینکه سلیمانی نسبت به مرگ نگرشی کاملاً آگاهانه و مشتاقانه داشت.

۲- معنویت‌گرایی

از نگاه فردوسی، قهرمان ایرانی علاوه بر وجه خردمندی، دارای روحیه معنوی نیز است و همین عامل تمایز آن‌ها بر قهرمانان سایر ملل شده است (خسروی و موسوی، ۱۳۸۷: ۱۰۱). شاهنامه به‌صورت کلی، کتابی است که در جای‌جای آن از خالق نظام هستی سخن گفته و یاد خدا در تاروپود آن تجلی یافته است (پرهام، ۱۳۷۷: ۱۶۶). از آنجاکه قهرمان شاهنامه به دنبال کمال است، صرفاً به وجه زمینی و انسانی خود تأکید نکرده، بلکه در مسیر دسترسی به کمال، از نیروهای آسمانی و مینوی نیز بهره‌مند می‌شود (حمیدیان، ۱۳۷۲: ۵۸)؛ مثلاً اسفندیار پهلوانی دین‌دار است که به ترویج دین نیز می‌پردازد (خسروی و موسوی، ۱۳۸۷: ۱۱۸). او پس از غلبه بر اژدها این‌چنین می‌گوید:

بیامد به پیش خداوند پاک همی گشت پیچان و گریان به خاک
همین گفست کاین اژدها را که کشت؟ مگر آنک بودش جهاندار، پشت

(فردوسی، ۱۳۸۲: ۵/۱۷۶)

سبک زندگی شهید قاسم سلیمانی هم مملو از توجه به معنویات است. او در تمام نبردها و مبارزات خود، یاری الهی و اتکا به او را شرط لازم پیروزی می‌دانست. مناجات شبانه او با حالتی از تواضع و اشکباری، حتی با وجود خستگی زیاد، ترک نمی‌شد (تولایی، ۱۳۹۸: ۷۴-۷۳). توسل مکرر او به پیشگاه امامان شیعه نیز یکی دیگر از وجوه معنویت‌گرایی وی بود. به این ترتیب، حالات معنوی او به‌گونه‌ای بود که می‌توان سلیمانی را یک مبارز معناگرا نامید.

۳- میهن‌دوستی و دفاع از وطن

توجه به وطن یکی از مهم‌ترین ویژگی‌ها و خصایص یک قهرمان ملی است. از قضا، هویت ملی در شکل مثبت آن با شاخص میهن‌دوستی و ترکیب آن با غرور ملی و احساسات مثبت به کشور مشخص شود (امیدپور و دلاوری، ۱۴۰۱: ۱۲۵)؛ چنانچه آرش،

سرباز ایرانی، جان خود را در راه ایران و تعیین حدود کشور فدا کرد. قهرمان شاهنامه وظیفه حراست و حفاظت از ایران را امری مقدس و تکلیفی اهورایی می‌داند. رستم، جهان‌پهلوانی است که نماد تمام‌عیار دفاع از ایران به حساب می‌آید. پس از آنکه افراسیاب از یک‌سو و تازیان از سوی دیگر به ایران لشکرکشی می‌کنند، مردم ایران به زابل رفته و از رستم می‌خواهند که ایران را از شر مهاجمان نجات بخشد. او در پاسخ می‌گوید:

دربغ است ایران که ویران شود کسنام پلنگان و شیران شود
کنون چاره‌ای باید انداختن دل خویش از رنج پرداختن

(فردوسی، ۱۳۸۲: ج ۹۳/۲)

زندگی شهید سلیمانی از ابتدای دوران جوانی که مصادف با پیروزی انقلاب اسلامی است تا زمان شهادت، همواره در دفاع از ایران و دفع متجاوزان سپری شد. برای سلیمانی، ایران و هویت ایرانی به اندازه‌ای ارزشمند بود که آن را قابل‌اعطای جان می‌دانست. هویتی که ترکیبی از ملیت و دیانت باشد (سلیمانی، ۱۳۹۸: ۱۷). او نیز همچون قهرمان شاهنامه دفاع از ایران را تکلیف الهی می‌دانست و معتقد بود که ایران حرم است و باید از این حرم دفاع کرد (سلیمانی، ۱۳۹۸: ۷۵). دفاع از کردستان در مقابل تجزیه‌طلبان در ابتدای انقلاب، دفاع از میهن در مقابل تجاوز رژیم بعث، دفاع از مردم جنوب شرق کشور در مقابل اشراک و باندهای قاچاق و از همه مهم‌تر، دفاع از وطن در مقابل نیروهای تکفیری و داعشی، همه حکایت از جان‌فشانی‌های او در راه میهن در طول چهل سال سربازی‌اش دارد. سلیمانی ایران‌دوستی را در عمل نشان داد و تمام همت خود را صرف ایجاد امنیت برای مردم کشورش ساخت؛ بنابراین، عنوان جان‌فدا که پس از شهادت به او تعلق گرفت، لقبی برازنده او است (کاوه، ۱۳۹۸: ۱۲).

۴- مردم‌دوستی و از خودگذشتگی

مؤلفه دیگر قهرمان ملی است و سلیمانی دقیقاً از چنین دیدگاهی برخوردار بود. او هیچ تمایزی بین مردم قائل نبود. شاید همین ویژگی خاص بود که او را از بسیاری از سیاستمداران که مردم را با خط‌کشی‌های جناحی و سیاسی تقسیم کرده و باعث بروز انشقاق در جامعه می‌شوند، جدا می‌کرد. در وصیت‌نامه‌اش خطاب به مردم کرمان می‌گوید: «من شما را از پدر و مادرم و فرزندان و خواهران و برادران خود بیشتر دوست دارم، چون با شما بیشتر از آن‌ها بودم. ... آن‌ها هم قبول کردند که من وجودم را نذر وجود شما و ملت ایران کنم» (سلیمانی، ۱۳۹۸: ۲۸). او دفاع از ملت ایران را برای خود افتخار می‌دانست (شیرازی، ۱۳۹۹: ۶۷). تعجب‌برانگیز اینکه سلیمانی به اثرگذار بودن خون



خود بر جامعه نیز توجه کرده بود. او چند روز قبل از شهادتش گفته بود: «اثری که خون من الآن بین جوان‌ها دارد در آینده ندارد» (قربانی و همکاران، ۱۳۹۹: ۲۲۲)؛ درحالی‌که اگر شرایط جامعه ایران در پاییز سال ۱۳۹۸ و پس از رخدادهای آبان بنزینی را در نظر آوریم، متوجه خواهیم شد که سلیمانی تا چه اندازه حاضر به فداکاری برای وحدت ملی بوده است. این قبیل باورها بود که او را تبدیل به نمادی از وحدت ملی ساخت.

۵- تعهد نسبت به مصالح عالی کشور

به عبارت بهتر، قهرمانان به دنبال منافع شخصی و بهره‌مندی از موقعیت خود برای داشتن جایگاه بهتر نیستند. آن‌ها در تلاش‌اند تا غرق در خدمت به کشور خود باشند نه اینکه در دسته‌جات، گروه‌ها و احزاب سیاسی و باندهای اقتصادی وارد شوند. همین روحیه است که آنان را محبوب اقشار مختلف می‌کند. سلیمانی به‌رغم در اختیار داشتن فرصت و ظرفیت بالای ورود به مسائل سیاسی و جناحی، هیچ‌گاه خود را به سیاست‌بازی آلوده نکرد و تنها به استحکام پایه‌های امنیتی کشور اقدام نمود؛ از این رو، مورد احترام شخصیت‌های برجسته در هر دو جریان سیاسی داخلی، روشنفکران و حتی اپوزیسیون خارج از ایران قرار گرفت. گستردگی روابط سلیمانی در داخل و خارج از کشور به قدری بود که برای نیروی‌های به اصطلاح انقلابی تعجب‌برانگیز می‌نمود (شیرازی، ۱۳۹۹: ۸۷). به همین دلیل، به هنگام شهادت، بسیاری از شخصیت‌های مختلف داخلی و خارجی برای وی بیانیه تسلیت صادر کردند. عبدالکریم سروش با ذکر بیتی از حافظ در صفحه مجازی خود به تکریم از او پرداخت (<https://www.tabnak.ir/fa/news/949226>). عطاءالله مهاجرانی او را یک مکتب‌نامید (<https://www.isna.ir/news/98101309362>). آیت‌الله سیستانی، سلیمانی و همراهان شهیدش را قهرمانان نبردهای پیروزی بر تروریست‌های داعشی معرفی کرد (<https://www.mashreghnews.ir/news/1026170>). آیت‌الله جوادی آملی او را محافظ دین، ناموس و کشور دانست (<https://javadi.esra.ir/fa/w1>). محمود دولت‌آبادی او را فرزند شایسته این آب و خاک دانست که سدی سترگ در برابر خون‌آشامان داعش در مرزهای کشور به وجود آورد (<https://www.mehrnews.com/news/4815609>). اردشیر زاهدی، وزیر خارجه دوران شاه نیز او را «بزرگ‌مردی دانست که باعث افتخار بوده و تمام عمرش را صرف دفاع از ایران کرده است» (زاهدی، ۱۳۹۹).

۶- جوانمردی و عیار صفتی

جوانمردی یک ویژگی مهم و دیرینه آیینی با آداب و اصول اخلاقی خاص خود و میراث تاریخ ایرانی - اسلامی است که ظهور و بروز آن را می‌توان در اعمال قهرمانان

ملی مشاهده نمود. فردوسی نیز به برخی از خصایص جوانمردان و عیاران اشاراتی داشته است. به عنوان نمونه، باید از حرمت «نان و نمک» در میان جوانمردان یاد کرد. حرمت سفره به قدری بوده است که اگر جوانمردی بر سفره کسی حاضر می شد، خود را وام دار او می دانست. تجلی حرمت نان و نمک را فردوسی در داستان رستم و اسفندیار آورده است. آن زمان که پشتون، برادر اسفندیار، از او می خواهد تا دعوت رستم را پذیرفته و به سیستان برود و مهمان او باشد، اسفندیار این دعوت را نمی پذیرد؛ به این علت که اگر من بر خوان رستم بنشینم، کشتن او بر من حرام خواهد شد و اگر این چنین کنم، از مرام پهلوانی دورمانده ام:

به پاسخ چنین گفت اسفندیار	که ای در جهان از گوان یادگار
گر اکنون بیایم سوی خوان تو	بوم شاد و پیروز مهمان تو
تو گردن پیچی ز فرمان شاه	مرا تابش روز گردد سیاه
فرامش کنم مهر نان و نمک	به پاکی نژاد اندر، آریم شک

(فردوسی، ۱۳۸۲: ج ۳/۹۴۵)

قالب رفتار سلیمانی هم مبتنی بر عیارصفتی بود. رویکرد او حتی نسبت به دشمنان خود نیز، رویکردی از روی انسانیت توأم با جوانمردی بود. در دوران دفاع مقدس، هنگامی که نیروی عراقی دستگیر می شد، بر برخورد انسانی و مروت آمیز با اسرا تأکید داشت. وقتی با اعتراض نیروهای خودی مواجه می شد که چرا آن ها به اسرای ما آب نمی دهند می گفت: «ما با آن ها فرق می کنیم. رهبر ما امام خمینی (ره) است و رهبر آن ها صدام» (کریمی، ۱۳۹۹: ۷۶). این منش سلیمانی برگرفته از رویکرد جوانمردانه حضرت امیرالمؤمنین (ع) با عمرو ابن عبدود و ابن ملجم مرادی است. سلیمانی زمانی که در سوریه علیه داعش می جنگید، به خانه ای در شهر البوکمال وارد شد که صاحبش در دوره جنگ داعش و نیروهای مقاومت آنجا را ترک کرده بود. به هنگام ترک منزل، نامه ای خطاب به صاحبخانه نوشت و ضمن معرفی خود و پوزش طلبی، شماره تلفن خود را نوشت تا اگر به خانه آسیبی رسیده بود، مالک منزل بتواند خسارت خود را مطالبه کند (کریمی، ۱۳۹۹: ۴۱). بالاتر از آن، در گرماگرم مبارزه با داعش و سایر نیروهای تکفیری، درخواست کرد تا ساختمانی را برای زایمان همسران اعضای داعش در شهر البوکمال به تأسیسات درمانی تجهیز کنند (جاویدی، ۱۴۰۳). زمانی که نیروهای مقاومت شهر جلولا را به صورت کامل محاصره کرده بودند، دستور داد راهی برای فرار نیروهای داعشی در نظر بگیرند؛ در حالی که نیروهای مقاومت می خواستند در حال محاصره کل شهر، تمام نیروهای داعشی



را از بین ببرند (مزدآبادی، ۱۳۹۹: ۴۶). برای او دفاع از انسان مهم بود نه مذهب و کیش و یا نژاد؛ به نحوی که او به‌عنوان یک انسان از مسیحیان، ترکمن‌ها و ایزدی‌ها دفاع می‌کرد و به‌عنوان یک مسلمان هم از اهل سنت و هم از شیعه.

۷- شجاعت و دلاوری

شجاعت عنصر کلیدی قهرمان در خلق حماسه است؛ به نحوی که شاهنامه به‌صورت مستمر از این ویژگی قهرمانان خود یاد کرده است. از نگاه فردوسی، شجاعت آنجا معنا می‌یابد که رفتار قهرمان در خدمت هدفی والا قرار بگیرد. در این صورت، شجاعت فضیلتی است که ریشه در فطرت انسان‌ها دارد (خوشناموند و دیگران، ۱۴۰۱: ۸۸). فردوسی همچنین بر این باور است که اگر پهلوانی عنصر شجاعت را در وجود خود نپرواند، مرگ برای او بهتر از زنده بودن است:

دگر کارزاری که هنگام جنگ بترسد زجان و نترسد ز ننگ
توانگر که باشد دلش تنگ و زفت شکم زمین بهتر او را نهفت

(فردوسی، ۱۳۸۲، ج ۳، ۱۰۷۴)

رستم، اسفندیار، گیو، بهرام، گودرز، کاوه و دیگر قهرمانان شاهنامه همگی شجاعان دوران خود هستند. شجاعت در میدان جنگ و مبارزه مهم‌ترین وجه از شجاعتی است که فردوسی برای قهرمانان خود برمی‌شمرد (خوشناموند و همکاران، ۱۴۰۱: ۸۹).

حضور سلیمانی نیز در میادین جنگ متهورانه و بی‌باکانه بود. نمونه‌های چندی از شجاعت او در میادین مبارزه ذکر شده است که به چند مورد اشاره می‌شود. هم‌زمان که هواپیماهای امریکایی مشغول گشت‌زنی در مناطق تحت کنترل داعش بودند، او نیز در بالگرد، به سرکشی هوایی از همان مناطق می‌پرداخت. درحالی که می‌دانست اگر نیروهای امریکایی متوجه حضور او شوند، به یقین به سمت بالگرد او شلیک خواهند کرد (کاوه، ۱۳۹۸: ۴۶). همچنین، او در زمانی که شهرهای سامرا، اربیل و آمرلی به‌صورت کامل در محاصره داعش قرار داشت، به‌صورت هوایی و با تعداد اندکی از نیروهای خود به مرکز این شهرها وارد شد و از سقوط آن‌ها جلوگیری کرد (کرامتی، ۱۳۹۵: ۶۶). رجزخوانی قهرمانان در برابر دشمن نیز یکی دیگر از ابعاد شجاعت در شاهنامه است. همان‌گونه که رستم در رجزخوانی این‌گونه خود را معرفی می‌کند:

که ای نامور پهلوان دلیر بهر کار پیروز بر سان شیر
بزرگان که دیدند بیر مرا همان رخس غران هژبر مرا
چو کاموس جنگی چو خاقان چین سواران جنگی و مردان کین

که از پشت زینشان بَخَمَ کمند
نگهدار ایران و توران منم

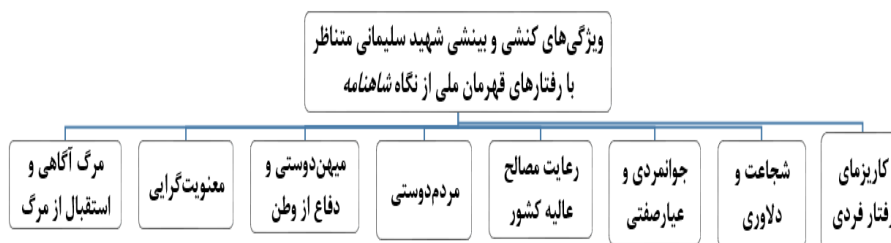
ربودم سروپای کردم ببند
بهرجای پشت دلبران منم

(فردوسی، ۱۳۸۲: ۲/۷۲۹)

شهید سلیمانی در مقابل رئیس‌جمهور امریکا که ایران را تهدید به حمله نظامی کرده بود، ترامپ را دعوت به مبارزه و هم‌وردی نمود: «آقای ترامپ قمارباز! من حریف تو هستم. ... ایران نمی‌خواهد. ... من حریف شما هستم. ... به شما می‌گویم آقای ترامپ قمارباز! بدان در آنجایی که فکر نمی‌کنی، ما در نزدیک شما هستیم. ...» (صافی، ۲۰۲۰). ترامپ پس از این سخنان شهید سلیمانی، از تهدید ایران به جنگ کناره گرفت.

۸- کاریزمای قهرمان ملی

منظور از این عنوان وجود برجستگی‌های ظاهری و بصری است که قهرمان را به‌نوعی از دیگران متمایز می‌سازد. فردوسی که خالق شخصیت رستم است، او را در وجهی از واقعیت و خیال ترسیم نموده و سپس با ایدئال‌های رفتاری و ارزش‌های ملی پرورانده است (رحیمی، ۱۴۰۱: ۱۲۴)؛ برای مثال، نام رستم که از دو واژه روت و ستم تشکیل شده و سپس به رستم تغییر یافته، خود به معنای پهن‌پیکر و یا درشت‌اندام است (کرازی، ۱۳۹۲: ۱۷۶). همین‌طور تن‌پوش او از پوست ببر بوده که در جنگ‌ها از آن استفاده می‌کرده است (رحیمی، ۱۴۰۱: ۱۲۵). عمر طولانی و خدازادگی نیز از دیگر ویژگی‌های شگفت‌انگیز قهرمانان شاهنامه است (شمیسا، ۱۳۸۶: ۷۶). این قبیل صفات ذهن مخاطب را به سمت فردی هدایت می‌کند که علاوه بر خلق‌و‌خو، دارای هیبت و سترگی است. به‌علاوه، در ادبیات شیعی نیز به‌طور معمول از حضرت ابوالفضل العباس (ع)، به‌عنوان فردی که قابلیت‌های جسمی ویژه و توانایی بالای بدنی داشته است یاد می‌شود. هرچند شهید سلیمانی به‌عنوان فردی که اکنون در معرض تجربه ملت ماست از قامت بلند و بدن سترگ و زره‌پوش ببر و این قبیل موارد بهره‌مند نبود؛ اما جذابیت‌های ظاهری‌اش از او فردی با‌بُهت، دارای اقتدار و با هیمنه ساخته بود. تصاویری که از او در میادین جنگ منتشر می‌شد در کنار خط‌ونشان کشیدن‌هایش برای تروریست‌ها و تحقق وعده نابودی آن‌ها، به‌علاوه ذکر دل‌آوری‌های او در کارزار نبرد، چهره‌ای باصلابت در ذهن مخاطبانش ایجاد می‌کرد. این نکته‌ای بود که از دید تحلیلگران مجله نیوزویک هم پنهان نماند و عکس پرچم‌باز او را در صفحه اصلی خود و با درج عبارتی با عنوان «اله انتقام» از داعش منتشر ساختند (مجله نیوزویک، ۲۰۱۴/۱۲/۶). افزون بر این، تصاویری که از لبخندها و اشک‌های او توأم با آرامش همیشگی چهره‌اش در ذهن مردم برجای مانده است بر جذابیت شخصیت وی می‌افزود.



نمودار شماره ۲. ویژگی‌های کنشی و بینشی شهید سلیمانی متناظر با رفتارهای قهرمان ملی از نگاه شاهنامه

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

یکی از اصول قطعی و مسلم کشورداری و سیاست‌ورزی، تقویت بنیان‌های هویت ملی است؛ چراکه تقویت یا ضعف آن، آثار و پیامدهای مهمی بر وحدت ملی و حتی بر فرایند توسعه کشور به‌جای خواهد گذاشت. هویت مفهومی است دو سویه؛ از یک‌سو، باعث همگرایی درونی و ازسوی دیگر، باعث ایجاد تمایز و تفارق با دیگران می‌شود. از میان اقسام هویت، هویت ملی ضمن ایجاد تمایز با دیگر ملل و تمدن‌ها، نقش بسیار مهمی در ایجاد همگرایی و اتحاد ملی ایفا می‌کند؛ ازاین‌روست که دولت‌ها در تلاش هستند به بهترین شکل ممکن زمینه‌های تحقق و تجلی هویت ملی را فراهم سازند. دین، زبان، تاریخ، خاطره‌ها، نمادهای ارزشی و معنوی، فرهنگ، سرزمین، دولت و نظام سیاسی مشترک، هر یک به‌نوعی می‌توانند به تقویت هویت ملی کمک کنند. در این بین، نقش قهرمانان ملی، برجسته و ممتاز تلقی می‌شود. قهرمان کسی است که با مرام پهلوانی و با خلق حماسه و ایثار جان، در موقعیتی حساس، خود را فدای ملت و میهن می‌کند. او خود را از زشتی‌ها و کج‌اندیشی‌ها می‌رهاند و با عبور از منافع فردی و تأکید بر منافع جمعی و ملی، به نقطه اتحاد و تکیه‌گاه مردم خود مبدل می‌شود. در این صورت، دولت‌ها عموماً در تلاش هستند تا از این قهرمانان برای تقویت بنیادهای هویت ملی بهره‌مند شوند. شهید قاسم سلیمانی کسی بوده که مجموعه کنش و منش او، برای ملت ایران تداعی‌گر یک قهرمان ملی است. مردم ایران او را قهرمان مبارزه با نیروهای شیطان‌صفت و اهریمنی و مدافع مرزهای ملی و اعتقادی خود می‌دانند. هرچند شخصیت شهید سلیمانی براساس آموزه‌های مکتبی و مذهبی شکل گرفته بود؛ رفتارهای بینشی و کنشی وی همچون اخلاص، وطن‌دوستی، فروتنی و مردم‌داری،

مبارزه با دشمنان ایران، مردانگی و آزادگی، در کنار ویژگی‌های فیزیکی و رفتارهای غیرکلامی، نشانگر قرابت و همپوشی الگوی بینش و کنشی ایشان با الگوی رفتاری قهرمانان ملی ایران است؛ از این رو، در مقاله حاضر تلاش شد تا ضمن انطباق رفتارهای شهید سلیمانی بر رویکردهای رفتاری و اعتقادی قهرمانان شاهنامه، نشان داده شود که می‌توان ضمن برجسته‌سازی رفتارهای شهید سلیمانی، از او به‌عنوان یک قهرمان ملی در راستای تقویت هویت ملی به‌خصوص برای جوانان بهره برد.

منابع

- آموزگار، ژاله (۱۴۰۲). «در شاهنامه فردوسی پهلوان می‌میرد؛ اما پهلوانی نمی‌میرد»، بخارا. سال بیست‌وهشتم. شماره ۱۵۷. تهران: ۴۹-۴۵.
- ادواردز، پل (۱۳۷۵). *فلسفه تاریخ*. ترجمه بهزاد سالکی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ادیب برومند، غلامعلی (۱۳۵۷). «بحثی درباره شاهنامه فردوسی؛ قهرمان ملی از نظر فردوسی»، *فصلنامه گوهر*. شماره ۶۶. تهران: ۴۴۶-۴۵۰.
- ازغندی، علی‌رضا؛ مستکین، عبدالمهدی (۱۳۹۲). «نقش شاهنامه فردوسی در تکوین هویت و نحوه نگرش بین‌المللی انسان ایرانی»، *پژوهش‌های راهبردی سیاست*. شماره هفتم. تهران: ۳۲-۹.
- اسلامی ندوشن، محمدعلی (۱۳۴۸). *زندگی و مرگ پهلوانان در شاهنامه*. تهران: نشر نگارش.
- اسمیت، دی آنتونی (۱۳۸۳). *ناسیونالیسم: نظریه، ایدئولوژی، تاریخ*. ترجمه منصور انصاری. تهران: تمدن ایرانی.
- امیدپور، سجاده؛ دلوری، ابوالفضل (۱۴۰۱). «هویت ملی در میان جامعه اهل حق شهرستان دلفان»، *فصلنامه مطالعات ملی*. پیاپی ۹۲. سال بیست‌وسوم. شماره ۴. تهران: ۱۴۰-۱۱۳.
- پرهام، باقر (۱۳۷۷). *میانی نقد خرد سیاسی در ایران با نگاه فردوسی*. چاپ دوم. تهران: نشر مرکز.
- تولایی، محمدعلی (۱۳۹۸). *شرح دلبری؛ شرحی بر وصیت‌نامه شهید قاسم سلیمانی*. مشهد: انتشارات آستان قدس.
- جاویدی، احسان (۱۴۰۳/۱/۱۵). *برنامه تلویزیونی پناه*. ۱۴۰۳/۱/۱۵. بیه آدرس: <https://telewebion.com/episode/0xc58a9d1>
- حمیدیان، سعید (۱۳۷۲). *درآمدی بر اندیشه و هنر فردوسی*. تهران: نشر مرکز.
- حقیقت، عبدالرفیع (۱۳۹۲). *قهرمانان ملی ایران*. چاپ پنجم. تهران: انتشارات کومش.
- خسروی، اشرف؛ موسوی، سید کاظم (۱۳۸۷). «خردورزی و دین‌داری اساس هویت ایرانی در شاهنامه»، *فصلنامه علمی پژوهشی کاوش‌نامه*. سال نهم. شماره ۱۶. تهران: ۱۲۷-۱۰۰.
- خوشناموند، محسن؛ فیاض، ایراندخت؛ طایفی، شیرزاد و سلحشوری، احمد (۱۴۰۱). «تبیین مفهوم شجاعت در شاهنامه فردوسی»، *فصلنامه معرفت*. سال سی‌ویکم. شماره ۴. پیاپی ۲۹۵. تهران: ۸۵-۹۵.
- رحیمی، فتنه (۱۴۰۱). «تحلیل چهره رستم براساس شاهنامه در کاشیکاری دوران قاجار»، *فصلنامه باستان‌شناسی ایران*. دوره ۱۲. شماره ۱. شوشتر: ۱۲۵-۱۰۰.
- زاهدی، اردشیر (۱۳۹۹/۲/۷). *برنامه شصت دقیقه بی‌بی‌سی*. فارسی، به آدرس: <https://www.bbc.com/persian/iran-features-52471544.amp#amp>.
- فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۸۲). *شاهنامه*. به کوشش سعید حمیدیان. تهران: قطره

- سلیمانی، قاسم (۱۳۹۸). *وصیت‌نامه سیاسی و الهی*. تهران: مؤسسه مکتب حاج قاسم.
- سلاجقه، سنجر؛ سیف‌اللهی، مهدیه (۱۴۰۱). «مدیریت بحران در مکتب شهید سلیمانی»، *اولین همایش کنفرانس ملی مدیریت و کارآفرینی در مکتب شهید حاج قاسم سلیمانی*. تهران.
- سلاجقه، سنجر؛ زند، افشین (۱۴۰۱). «ارزیابی ولایت‌مداری مکتب شهید حاج قاسم سلیمانی»، *اولین همایش کنفرانس ملی مدیریت و کارآفرینی در مکتب شهید حاج قاسم سلیمانی*. تهران.
- شمیسا، سیروس (۱۳۸۶). *انواع ادبی*. تهران: انتشارات میترا.
- شیرازی، علی (۱۳۹۹). *شاخص‌های مکتب شهید سلیمانی*. تهران: انتشارات خط مقدم.
- صفا، ذبیح‌الله (۱۳۸۹). *حماسه‌سرایی در ایران*. تهران: امیرکبیر.
- عبدالملکی، سعید (۱۳۹۹). *روان‌شناسی سیاسی*. چاپ پنجم. تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
- علامیان، سعید (۱۴۰۰). *حاج قاسمی که می‌شناختم*. تهران: انتشارات خط مقدم.
- عموزاد خلیلی، سجاد؛ هاشمی‌خواه، زینب؛ رضایی، احمد (۱۴۰۳). «خوانش ترکمن‌های ایرانی از هویت قومی و ملی»، *فصلنامه مطالعات ملی*. پیاپی ۱۰۰. سال بیست‌وپنجم. شماره ۴. تهران: ۱۵۹-۱۷۸.
- قربانی، مهدی؛ موسوی، لیلا؛ طهماسبی، عالمه (۱۳۹۹). *سلیمانی عزیز، زندگی و رزم سردار شهید حاج قاسم سلیمانی*. چاپ هفتادویکم. قم: انتشارات حماسه یاران.
- کاوه، ناصر (۱۳۹۸). *من قاسم سلیمانی هستم*. تهران: نشر نوآوران سینا.
- کرامتی، مرتضی (۱۳۹۵). *سربازان سردار*. چاپ دوم. قم: نشر سه‌نقطه.
- کریمی، سید عبدالمجید (۱۳۹۹). *رفیق خوشبخت ما*. مشهد: انتشارات زائر رضوی.
- کریمی، مانده؛ فاضلی، حبیب‌الله (۱۴۰۰). «برساختن هویت ملی در بلژیک: سیاست آموزشی در مدارس دوره ابتدایی». *فصلنامه مطالعات ملی*. پیاپی ۷۸. سال بیست‌ودوم. شماره ۳. تهران: ۱۵۸-۱۳۱.
- کریمخانی، احد (۱۴۰۲). «نقش شهید سلیمانی در ناکامی‌های امریکا در منطقه»، *مطالعات راهبردی جهان اسلام*. شماره ۹۴. تهران: ۷۱-۹۴.
- کزازی، میرجلال‌الدین (۱۳۹۲). *نامه باستان*. جلد اول. چاپ هشتم. تهران: انتشارات سمت.
- کلاتری، فتح‌الله؛ نجفی‌سیار، رحمن (۱۴۰۲). «دستاورد های دفاع ترکیبی شهید سلیمانی»، *محیط‌شناسی راهبردی جمهوری اسلامی ایران*. سال هفتم. شماره ۲. تهران: ۱۹۸-۱۷۳.
- مردانیان، محمد (۱۴۰۱). *ژنرال*. تهران: انتشارات مانیان.
- مردانیان، محمد (۱۴۰۱). *۱:۲۰ دقیقه بامداد*. تهران: نشر مانیان.
- مزدآبادی، علی‌اکبر (۱۳۹۹). *متولد مارس*. تهران: انتشارات یا زهرا (س).
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۸). *فلسفه تاریخ*. جلد اول. تهران: انتشارات صدرا.
- مقدم‌فر، عطا؛ امیر سرداری، سلمان (۱۴۰۳). «تحلیل نقش سازمان‌های اطلاعاتی در تقویت همبستگی اقوام ایرانی (مطالعه موردی کردها)»، *فصلنامه مطالعات ملی*. پیاپی ۹۹. سال بیست‌وپنجم. شماره ۳. تهران: ۱۶۱-۱۸۶.
- نجاتی، سید محمود (۱۳۸۲). «واکاوی هویت تاریخی؛ تاریخ‌نگاری و جامعه‌شناسی تاریخی ایران: ملاحظات نظری و روش‌شناختی». *فصلنامه مطالعات ملی*. ۴ (۱). تهران: ۱۹۰-۱۵۳.
- نظری، علی‌اشرف (۱۳۸۶). «هویت ملی و وحدت‌یابی جمعی؛ تأملی بر ابعاد فردی و جمعی هویت»، *نامه تاریخ‌پژوهان*. شماره ۱۲: ۱۵۰-۱۲۲.
- هوک؛ سیدنی (۱۳۵۷). *قهرمان در تاریخ*. ترجمه خلیل ملکی. چاپ دوم. تهران: انتشارات رواق.
- Arango, Tim, Bergman, Ronen and Hubbard Ben (2020). *Qassim Suleimani, Master of Iran's Intrigue, Built a Shiite Axis of Power in Mideast*. <https://www.nytimes.com/2020/01/03/obituaries/qassem-soleimani-dead.html>.



- Barnard, Timothy P (1997). "Local heroes and national consciousness; The politics of historiography in Riau", *Journal of the Humanities and Social Sciences of Southeast Asia and Oceania*: 509-526.
- ERIKSONAS, Linas (2004). *National Heroes and National Identity: Scotland, Norway and Lithuania*. Brussels, Press's: P I E PETER LANG.
- Eliade, Mircea (1963). *Myth and Reality*. Willard R. Trask (trans.). New York: Harper and Row Publishers.
- Pramono, S E ,Ahmadm, T A and Wijayati, P A (2021). *Mapping the national heroes in Indonesia to strengthen national identity in history learning*. IOP onference Series: Earth and Environmental Science, PURPOSE LED PUBLISHING.
- Safi, Michael (2020). *Who is Qassem Suleimani? Iran farm boy who became more powerful than a president*. [tps://www.theguardian.com/world/2020/jan/03/who-is-qassem-suleimani-profile-iran](https://www.theguardian.com/world/2020/jan/03/who-is-qassem-suleimani-profile-iran).
- Valenzuela, Maria Theresa (2014). *CONSTRUCTING NATIONAL HEROES: POSTCOLONIAL PHILIPPINE AND CUBAN*. University of Hawai'i Press.
- Zhenru Lin, Jacqueline (2024). *Making National Heroes: The Exemplarist Production of Masculinities in Contemporary China*. Hong Kong University Press.
- <https://www.isna.ir/news/98101309362>.
- <https://www.tabnak.ir/fa/news/949226>.
- <https://www.mashreghnews.ir/news/1026170>.
- <https://javadi.esra.ir/fa/w1>.
- <https://www.mehrnews.com/news/4815609>.
- <https://www.ispa.ir/Default/Details/fa/2168>.
- <https://www.aljazeera.net/encyclopedia/2015/4/22>.
- <https://fa.alalam.ir/news/3014676>.
- Newsweek Magazine, 6/12/2014.

